

متن پیاده سازی شده جلسه نود و سوم سال پنجم درس خارج فقه القضا 2 خرداد ماه 1402

بسم الله الرحمن الرحيم

بیان مسأله

بحث در استناد قضات و کارشناسان به ابزارهای نوین بود که شش سؤال مطرح شد که فتاوای علماء نیز در جواب آن مطرح شد که نقد و بررسی آن مستقلاً این شاء الله خواهد آمد. در اینجا سؤال هفتمی نیز مطرح شد:

ز. در مورد کارشناس هایی که در پشت ابزارهای نوین قرار دارند آیا این ها یکی از ادله مستقل قضائی محسوب می-شوند یا اینکه این ها را باید در ذیل یکی از ادله شناخته شده قرار داد؟

مثلاً پزشک قانونی بر اساس کارشناسی هایی که انجام می دهد حالا هم با دانش و هم تجربه اش و با کمک از ابزارهای نوین متوجه بشود مرگ این مصدوم بر اساس کدام حادثه بوده است.

اینجا دو حالت وجود دارد:

1. اینکه بگوییم این ابزارها و کارشناسی مستند به آن، خودش دلیل مستقل است آن وقت می تواند کنار اقرار، بیّنه و شهادت و قسامه قرار بگیرد و دیگر احتیاج به تعدد و جنسیت خاص و عدالت ندارد، کما اینکه همین کار در جمهوری اسلامی صورت می گیرد و قضات به نظر پلیس، پزشک قانونی و ... تمسک می کنند.

2. اینکه این کارشناسی ها دلیل مستقل نیستند و مثلاً باید ذیل بیّنه و شهادت قرر بگیرد.

عبارت متن (صفحه 558): در متون فقهی و در کتاب دیات، در مواردی ارجاع امر به کارشناس شده و یا امتحان، آزمایش و اختبار حال مصدوم پیش بینی شده است، به عنوان مثال هرگاه ضربه ای بر سر شخص وارد آید و مصدوم مدعی باشد که بینایی یا بویایی او کم شده است، با آزمایش یا نظر دو خیره عادل ادعای او ثابت می شود، حالا سؤال این است که در خصوص موارد فوق آیا نظر کارشناس به عنوان شهادت تلقی شده است یا خود دلیل اثبات مستقلاً است؟

فرق بین این دو حالت هم واضح است، برای اینکه اگر شهادت باشد آن وقت احتیاج به تعدد و عدالت دارد و در بعضی مواقع جنسیت خاص لازم دارد، اما اگر دلیل مستقل باشد دیگر این مباحث نیست و حالا شاید در آن قید شود که باید مفید اطمینان باشد.

جواب: علماء معاصر در این مورد شش نظر مطرح کردند:

1. (مرحوم آیت الله تبریزی): در مواردی که دیه معین است، در آن موارد قاضی باید علم به موضوع پیدا کند یا به شهادت شاهد عادل ثابت شود، و اگر موارد اُرش باشد باید نظر خیره (خبیر) برای قاضی جامع الشرائط و ثوق حاصل شود ولو آنکه به تعدد خیره باشد.

به عبارتی به نظر ایشان بین موارد دیه و اُرش تفاوت است؛ به این نحو که شارع در اکثر موارد دیه اندازه معین مقرر کرده است و در مقابل برای اُرش اندازه معینی مقرر نشده است. لذا ایشان قائل هستند که در دیه علم (یعنی قطع) و شاهد عادل معتبر است (که معمولاً مرادشان دو مرد عادل است) لذا اطمینان و وثوق در اینجا حجیت ندارد و اگر کارشناس باشد حتماً در ذیل شاهد عادل قرر می گیرد که آن وقت احتیاج به تعدد دارد. اما در صورتی که اُرش باشد آن وقت لازم نیست که حتماً از طریق راه های مشخص باشد و لذا اگر از طریق کارشناسی ولو از طرف یک نفر اظهار نظر شده باشد قاضی می تواند به آن تمسک کند.

2. (نظر اکثر علماء معاصر): در فرض سؤال، نظر آنان دلیل اثبات مستقلاً نمی باشد. (لذا در ذیل مورد بیّنه قرار می گیرد و به

همین خاطر باید شرایط شهادت را داشته باشد.)

3. (آیت الله مکارم شیرازی): نظر کارشناس به عنوان قول اهل خبره پذیرفته می شود.

تفاوت این مورد با جواب قبلی در این است که قبلی بیان کرد دلیل مستقلی نیست، ولی این نظر قائل است که اهل خبره به عنوان متخصص است و بسیاری از علماء در مورد متخصص قائل هستند که احتیاج به تعدد و جنسیت ندارد؛ لذا نظر قبلی اگر می خواهد بگوید از باب شهادت است که در این صورت سخت گیری می کند، اما ممکن است بیان کند این ملحق به نظر اهل خبره می شود؛ ولی ظاهراً مرادش این است که اصلاً به آن نگاه نمی کند و لذا باید یکی از موارد ادله مثل بیّنه و اقرار باشد.

4. (مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی): اگر یقین برای قاضی نیاورد، به عنوان شهادت است که عدالت و تعدد در آن معتبر است. اگر دقت کنید ایشان همان نظر دوم را قائل هستند که بیان شد این دلیل مستقل نیست، چون اگر علم آور باشد که علم خودش یک راه است و غیر علم هم که ذیل شهادت قرار می گیرد و لذا دلیل مستقلی محسوب نمی شود.

5. اگر موجب اطمینان شود کفایت می کند.

این عبارت با اینکه کوتاه است ولی وقتی در صحن عمل قرار می گیرد خیلی اثر گذار است، چون اکثر موارد ابزارهایی که کارشناسان دارند نهایتاً اطمینان آور باشد.

6. (مرحوم آیت الله اردبیلی): موارد مختلف است. مبنای نظریه ی کارشناس یا خبرویت اوست یا آزمایشات و امثال آن. در شق دوم حصول اطمینان (کارشناس) یا اتفاق نظر (برای دیگران)، که به طور طبیعی سبب اطمینان برای افراد متعارف می شود لازم است، و در شق اول، چنانچه باب قضا و مرافعات و حدود الهی باشد، شرایط شهادت از جمله تعدد معتبر است (یعنی صرف خبرویت کافی نیست، لذا اگر مثلاً مورد زنا باشد صرف کارشناسی کفایت نمی کند و شهادت چهار مرد عادل لازم است)؛ در موارد متعارف دیگر (مثل رؤیت هلال ماه)، نظر کارشناس مورد اعتماد که بر اساس خبرویت نظر می دهد همانند «خبر ثقه» حجت است (یعنی حکم خبر واحد را دارد).

مثلاً در مورد لغت، تاریخ، رجال و داریه به اهل خبره مراجعه می کنید. حالا ایشان یکبار عبارت «مورد اعتماد» دارند و بعد عبارت «خبر ثقه» را دارند که این ها با هم سازگاری ندارد، چون در خبر ثقه بحث است، و بعضی ها صرف ثقه بودن را کافی می دانند ولو اعتمادی هم برای شخص در پی نداشته باشد.

نقد و تحقیق در مسأله

به نظر ما اولین چیزی که باید در مورد آن بحث شود این است که این ابزارهای نوین که ممکن است مستند قضات و کارشناسان باشد (که روز به روز جدیدتر می شود) بما هو هو موضوعیت ندارند بلکه طریقیّت دارند. اگر این ها موضوعیت داشته باشند آن وقت مثل اقرار می شدند، یعنی وقتی در مورد اقرار می گوئیم موضوعیت دارد یعنی اقرار معتبر است ولو برای مقام قضایی یا کارشناس اطمینان نیاورد، مثلاً خود راننده در موقع تصادف اعلام کند من مقصر هستم، در اینجا این شخص اقرار کرده است.

در سیستم قضایی یک بخش آن سیستم حاکمیت ادله قانونی است، یعنی این ادله حاکم می شوند تا جایی که مرحوم نائینی و ژان پرادل بیان می کنند اقرار معتبر است ولو مقام قضایی یقین به خلاف داشته باشد؛ البته علماء ما تا این حدّ بیان نکردند ولی این را گفتند که ولو برای مقام قضایی اطمینان نیاورد. بنابراین اگر موضوعیت داشت این چنین بود ولی ابزارها چنین نیستند و نهایتاً اطمینان بیاورند (و بعداً خواهیم گفت در بعضی مواقع اگر گمان هم بیاورد کفایت می کند).

لذا باید نگاه ما به این ابزارها نگاه ابزار باشد. حقوقدان ها قائل هستند این ها امارات هستند و نه دلیل، ولی ما در حوزه بین اماره و دلیل تفاوت قائل نمی شویم بخلاف بحث های حقوقی که فرق قائل می شوند به این بیان که دلیل در آنجا همان دلیل است اما اماره یعنی نشانه و طریق.

حالا اگر این اصل را بپذیریم آن وقت نه اثبات مطلق صحیح است و نه نفی مطلق؛ هر چند در انظار ما اثبات مطلق را نداشتیم ولی نفی مطلق را قائل داشتیم.

الحمد لله رب العالمین